

نا بودی عربستان

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_16-16_4_1_20_668_llc.mp4

شیطا نیزم ایرانی!

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران ابراز داشتند:

اختلاف نظر در جامعه اسلامی باعث برکت است اما دوقطبی کردن جامعه رفتار منافقانه است و در جامعه ما هم سالها است که شکل گرفته ... دو قطبی سازی باعث ایجاد دیکتاتوری رسانه‌ای می شود و شایسته سالاری از بین می رود. خدا لعنت کند کسانی را که به دو قطبی سازی دامن می زنند و همه را متهم و منتسب به یک جناح می دانند. این لعنتی‌ها اجازه نمی دهند جامعه به پیش برود. صهیونیست‌ها این دو قطبی سازی را در اکثر کشورها ایجاد کردند.

...

دو قطبی‌سازی سنتی است سیئه در مناسبات رفتاری ایرانیان که هر چند به درستی توسط پناهیان نشانه‌گذاری شده اما توسط ایشان به خوبی آسیب‌شناسی نشده.

برخلاف باور پناهیان دو قطبی‌سازی در ایران امری است متقدم و ربطی به فتنه‌گری صهیونیست‌ها نداشته و خاستگاه‌اش برگرفته از منطق باینری است.

منطق باینری یا «صفر و یکی» مستحکم‌ترین سازه استدلالی در حوزه گزاره‌های ابطال‌ناپذیر (قطعیت‌ها) است هم چنان که همین منطق از آن درجه از استعداد برخوردار است تا با ورودش به جهان گزاره‌های ابطال‌ناپذیر (نسبیت‌ها) مبدل به مخرب‌ترین و مناقشه‌آمیزترین استنتاجات منطقی شود.

مخرب‌ترین کاربرد منطق باینری زمانی است که این منطق «سترونا» با یک شیفت گفتمانی از جهان آنتولوژی یا بودشناسانه Ontology به جهان آگزیولوژی یا ارزش‌شناسانه Axiology میان‌بُرد زده و جاعلانه از

«بود ها» اخذ استنتاجات ارزش داورانه کند.

ریزش منطق باینری از جهان گزاره‌های ابطال ناپذیر به جهان گزاره‌های ابطال پذیر ریزشی است که محصولش نامحدود تلقی شدن پدیده‌های محدود، خواهد بود.

خیط فاحش در چنین شیفت گفتمانی آنجاست که علیرغم معسور بودن جهان «هست ها» لیکن در نگاه ارزش‌شناسانه «تفاوت» بین پدیده‌ها را مبنای «تبعیض» بین آن پدیده‌ها تلقی می‌کنند!

منطق باینری ناظر بر مفاهیم مطلق و گزاره‌های ابطال‌ناپذیر است. مفاهیمی همچون:

هستی یا عدم – صدق یا کذب – روشنائی یا عدم روشنائی – خدا یا غیرخدا – خیر یا شر

ریزش منطق باینری از حوزه آنتولوژی (بودشناسی) به ساحت آگزیولوژی (ارزش‌شناسی) را می‌توان گرانیگاه خلق و بسط «ایدئولوژی شیطانی» محسوب کرد که طی آن شیطان تفاوت خود با انسان را و «بود» از «آتش خود» را ملاک تمایز و تفاخر و ارجحیت و ارشدیت و افضلیت و تَشَخُّص و تَكَبُّر خود بر «بود» از «خاک انسان» قرار می‌دهد.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۚ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

خدای متعال بدو (شیطان) فرمود:

چه چیز تو را مانع از سجده (آدم) شد که چون تو را امر کردم نافرمانی کردی؟ پاسخ داد که من از او بهترم، که مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای. (آیه ۱۲ سوره اعراف)

در چنین بدآیندی، منطق شیطان ناظر بر «ارزشگذاری خویش‌گامانه» بر تفاوت‌های «هستی‌شناسانه» است.

ایدئولوژی که طی آن تفاوت‌های ذاتی و ریخت‌شناسانه Morphologic ملاک ارجحیت‌های ارزش داورانه قرار می‌گیرد و به تَبَع تَقَیْد به چنین تفرعنی است که «تفاوت» مبنای «تمایز» قرار گرفته، بدون التفات به آنکه تفاوت‌ها قاصر از آنند تا بتوانند مبنای تمایزها شوند.

سیاه و سفید، «فقیرو غنی»، «شهری و روستائی»، «باسواد و بی سواد»، «زن و مرد» هر چند متفاوتند اما چنین تفاوتی جز به اعتبار تنزه اخلاقی و پارسائی رفتاری، نمی‌تواند افاده معنای مزیت و فضیلت و برتری و تمایز و ارجحیت و ارشدیت یکی بر دیگری کند.

ایرانیان به لحاظ تاریخی و به اقتضای آموزه‌های تحریف شده زرتشتی، آلوده‌ترین ملت‌ها به منطق باینری‌اند!

به اعتبار ابتلای ایرانیان به منطق باینری امکان ندارد پاسخ یک

ایرانی به یک «پرسش مفروض» در قبال یک «انسان مفروض» مبنی بر آنکه «آقای ایکس چگونه انسانی است؟» بیرون از دو گانه «آدم خوبی است» یا «آدم بدی است» چیز دیگری باشد. این تقریباً از محالات است چنانچه توقع شود یک ایرانی در پاسخ به پرسش فوق فرضاً بگوید؛

آقای ایکس فردی خوش خُلق اما در عین حال کاهل است و هم چنان که آدمی راستگو است اما ضریب مسئولیت پذیری‌اش پائین است. از نظر روانی فردی برونگرا و خیر و اهل انفاق است. خانواده دوست و اجتماعی است اما در عین حال محافظه کار هم هست و ضریب ریسک پذیری‌اش پائین است. خوش لباس و خوش بیان و مبادی آداب است اما مناسباتش با خانواده پدرسالارانه است و در مناسبات اجتماعی رفیق باز و تفرج طلبند و غیره.

توقع شنیدن چنین پاسخی از یک ایرانی چیزی در حد محال است! برای چنین «ایرانی مفروضی» دادن پاسخ در «دو گانه باینر» بمراتب سهل‌تر و مقبول‌تر از آنست تا خود را در پاسخ های ففسرسوز کثیرالابعاد و ذو جنبتین معطل و معذب نماید! برای چنین ایرانی مفروضی تنها دو گزینه محلی از اعراب دارد: خوب یا بد

انسان یا قدیس است یا ابلیس!

یا اهورا است یا اهریمن!

یا خیراست یا شر!

یا درست است یا غلط!

یا سیاه است یا سفید!

یا فرشته است یا دیو!

یا پاک است یا پلید!

یا قهرمان است یا هیولا!

یا راهبه است یا فاحشه!

یا مدرن است یا سنتی!

یا شهری است یا دهاتی!

یا باشعور است یا بی شعور!

یا باسواد است یا بی‌سواد!

یا روشنفکر است یا مرتجع!

یا آلامُد است یا اُمُل!

یا دنیوی است یا اخروی!

یا علمی است یا دینی!

از زمان حاکمیت منطق باینری در ناخودآگاه تاریخی غالب ایرانیان، یک دوگانه جعلی و آنتاگونیستی از «علم و دین» و «دنیا و آخرت» و

«معنویت و مادیت» در ناصیه ایشان مهر شده که مبنای همه داورى‌ها و دانائى‌هاى ایشان قرار دارد!

آخرین و نقدترین و نزدیک‌ترین نمونه از چنین بدآیندى نزد ایرانیان را مى‌توان در شهرآشوبى سال ۸۸ ملاحظه کرد که طرفین در بدخیم‌ترین حالت ممکن همه وجوه سرریز منطق باینرى از جهان گزاره‌هاى ابطال ناپذیر به جهان گزاره‌هاى ابطال پذیر را توامان تجربه و عهده‌دارى کردند!

خیزشى آپارتایدی که به اقتفای «منطق باینرى» طرفین مدعى برترى و تفاخر «ذاتى خود» در مقابل کهترى و سفلگى ذاتى «طبقه مقابل خود» بودند و هستند!

شورشى که به اقتفای آلودگى محتوم‌شان به «ایدئولوژى شیطانى» جبراً و قهراً گریزى از این ثنویت تحمیلی و خودخواسته و خودساخته نداشته و ندارند تا «محمود احمدی‌نژاد» را عصاره همه رذائل و خباثت و سیئات و دنائات بفهمند و هم زمان «میرحسین موسوی» را شدآیندى از همه فضائل و محاسن و مکارم و مواهب موجود در جهان بشریت فهم و اقبال کنند! و هم زمان وارونه همین معادله در سوى دیگر جبهه برای «محمود قدیس» و «میرحسین ابلیس» هم‌آوردی و هل من مبارزى مى‌کرد و مى‌کند!

ثنویت باینرى نقطه مقابل وحدانیت مَدَنِشِی و نزاهت رَوَشی و طهارت بینشی در فاهمه قاطبه ایرانیان است که مُنجر به شیطان‌زدگى خُلُقِی و انانیت عمقى و فهم ذوقى ایشان از خود و خوشآیندها و ناخوشآیندهاى سلیقه‌اى‌شان، شده است!

داریوش سجادی

قاتل سحر خدا یاری کیست!؟

سحرخدایارى را باید نماینده نسلى تلقى کرد که در گنداب سیاست‌بازى و غرقآب ندانم‌کارى و تعفن ذائقه‌سازى‌هاى مهوع مشتى بندباز سیاسى کشته شد؟

سحرخدایارى را به کفایت مى‌توان نماد و نماینده نسلى قلمداد کرد که لامحاله کم وزنى عقلی و بیوزنى هویتی خویش را چلیپاکشى مى‌کنند! نسلى که در نقطه تباین با نسل دیروزی است که در دهه پنجاه برخلاف سحرخدایارى و هم‌ترازان سحرخدایارى دغدغه‌شان نشستن در استادىوم و

جیغ زدن برای ۱۱ نفر مشنگ‌تر از خودشان نبود!

نسل دیروز اگر قهری داشت و قهرمانی

اگر دردی داشت و درمانی!

قهر و درد و قهرمان و درمان را از بطن مطالعات فلسفی و مکاشفات عقلی‌اش احصا و استحصال می‌کرد.

دغدغه‌های نسل من را فرانتس فانون و برتراند راسل و آندره ژید و مارسل پروست و جمیله بوپاشا و شریعتی و جلال و نهضت حسینی قیام عاشورا نشانه گذاری می‌کرد!

حتی خوانندگان نسل من ام‌کلثومی بود که در جنگ شش روزه آنچنان مبتهجانه در بسیج سربازان مصری خواند که بعدها مناخیم بگین در توجیه قتل‌عام سفاکانه تلزعترا گفت اگر ام‌کلثوم در ۶۷ آنچنان سربازان مصری را به وجد نمی‌آورد ما نیز در تلزعترا آنچنان نمی‌کردیم!

نسلی که اگر هم خودزنی می‌کرد جان شیرین‌اش را فدیة آرمان‌های بلند آزادی و استقلال و مبارزه با استعمار و استبداد می‌کرد.

شوربختی است که با نسلی مواجه‌ایم که دغدغه‌اش فوتبال و نشستن در استادیومی شده که برون دادش مثنی‌الدنگ بی‌سواد و بد دهان‌اند که کل افتخارات ملی‌شان با بلع میلیاردها تومان پول بی‌زبان، زنگ تفریح شدن برای فوتبال باشگاه‌های حرفه‌ای جهان است!

نسلی که آنچنان مغزشوئی شده که سطح مطالباتش تا زوال نشستن در استادیوم و جان دادن برای آن نشیمنگاه منحوس تنازل یافته!

ام‌کلثوم‌شان نیز ساسی مانکنی شده که جنتلمن است! و خانومش هم جندرم! و آن روان‌پریش نیز قهرمان‌شان شده که از بطن دنیای کالانگاری به زن، کورعقلانه با بیرق روسری‌های سفید سحر را قربانی نگاه جنسیتی به زنان در ایران قلمداد می‌کند.

سحر را شماتت نبایست کرد.

سحرها را به استادیوم راه ندهید

مردها را نیز به استادیوم راه ندهید

اساسا گِل بگیرد درب دنیای فوتبال ایران را که خروجی اش همه چیز هست جز ورزش!

سحر را خدا داد اما فوتبال مبتذل و منحنی ایران و تنازل مطالبات نسل جوان به چنین انحطاط و ابتذالی سحر و سحرهای بیشمار را از ما گرفته و می‌گیرد.

کاش عدلیه ایران نیز قبل از دغدغه نشیمن‌گاه دخترکان ایران در استادیوم کمی هم سودای ارتقای اندیشه و عقل و معرفت و شعور این دخترکان را عهده داری می‌کرد!

#داریوش سجادی

تحریم های اخیر امریکا علیه ایران

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_4-15_29_8_857_Tly.mp4

تحریم دکتر ظریف

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/08/WhatsApp-Video-2019-08-04-at-19.10.24.mp4>

تحریم دکتر ظریف

چرا وزارت خزانه داری آمریکا ، دکتر ظریف را تحریم میکند؟ و اعمال این تحریم را بخاطر ارتباطش با رهبر ایران قلمداد میکند؟ این تحریم را از دو جنبه میتوانیم بررسی کنیم (۱) یک لایه بیروتی دارد که فقط جنجال رسانه ای و روانی قضیه است، که با نام بردن رهبر ایران؛ سعی در کاور کردن اصل ماجرا از سوی دولت جمهوری خواه امریکا است. و اما (۲) لایه دوم که لایه درونی و اصل ماجراست اینست که؛ دولت ترامپ بخاطر رفتارهای اخیر غیر دیپلماسی دکتر ظریف بستوه آمده و از دریچه تهدید به آن می نگرد و به همین دلیل او را در لیست تحریم قرار داده است. زیرا دولت ترامپ معتقد است که دکتر ظریف مدتی در حال رایزنی و برگزاری جلسات خصوصی با دموکرات ها میباشد جهت تضعیف دولت ترامپ

و با شگرد دولت سایه سعی میکند برای دولت آینده آمریکا که ممکن است دموکرات ها باشند وقت میخرد تا برجام و توافق هسته ای را احیا کند.

برای تحلیل موجود فکت های مهمی را ارائه میدهم:

دکتر ظریف ۳_۴ بار با جان کری وزیر امور خارجه دولت دموکرات اوباما دیدار داشته است و ترامپ این دیدارها را غیر قانونی عنوان کرده است با توجه به قانون (لوگا) ؛ این قانون شهروندان عادی را از انجام دیپلماسی خارجی به نیابت از دولت امریکا منع میکند.

که در حال حاضر جان کری شهروند عادی امریکائی محسوب میشود.

دوم اینکه در ۲ خرداد ۹۸ دکتر ظریف با خانم دایان فاینشتین سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا جلسه ای خصوصی و بدون هماهنگی های لازم داشته و کسی از محتوای جلسه خبر ندارد.

پس خیلی ساده لوحانه است که باور کنیم دولت امریکا بخاطر ارتباط او با رهبری ، اقدام به تحریم نموده است.

و از سوی دیگر ظریف با مظلوم نمایی و رسانه ای کردن نامه گلایه آمیز به رهبر بخاطر سریال گاندو و سعی در بی اهمیت جلوه دادن پرونده جیسون رضائیان میکند و خودش را گزینه سوخته مطرح میکند!

هر چند حافظه مردم ایران سریال گاندو را فراموش نخواهند کرد.

اما حقیقتا دکتر ظریف چکار میکند!؟!؟

پرستو مروجی

ترامپ یا دموکرات ها بهترین گزینه برای ایران کدامند؟

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_29-16_4_1_55_484_v2k.mp4

احمدی نژاد و پرونده های اقتصادی

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_27-15_15_37_873_rCa.mp4

مقصر اصلی معیشت مردم، احمدی نژاد

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_20-17_10_2_139_Tly.mp4

داداشیای اسحاق جهانگیری

مهدی جهانگیری داداش اسحاق جهانگیری به گفته سردار ابوحمزه به سه دلیل عمده بازداشت شده بود
(۱) اخلاق در مسائل مالی کشور
(۲) کسب درآمد نامشروع
(۳) خروج ارز از کشور

آقا مهدی در دولت احمدی نژاد به مشای و بقایای پیشنهاد میده که یک شرکت جهانگردی تاسیس شده و چه بهتر که یک بانک هم برای حمایت های مالی و زیرساختی اون تاسیس بشه، و اون بزرگواران سینه چاک ملت و نظام بانک سرمایه رو بصورت جهادی !!! تاسیس میکنند . جالبه بدونید دوم آذر ماه سال هشتاد و نه شمسی طرف فقط ۱۵۰ دقیقه هشتاداد میلیارد سهام بانک گردشگری به فروش میرسه!! لازم به ذکر

است که آقا مهدی معاون سرمایه گذاری بانک گردشگری بوده است.
اسم اون شرکت هم « هلدینگ سمگا » است سهامدار اصلیش بانک سرمایه است.

و اما اقا مهدی معاون سرمایه گذاری بانک گردشگری بود... حالا سال هشتاد و هفت جنجال رسانه ای بپا کرد و استعفا داد.
بعدشم در اردیبهشت هشتاد و هشت دو بزرگوار اصلی یعنی مشایی و بقایی گفتند اینجور که همیشه ! چکار کنیم؟ خلاصه مشغول پذیره نویسی « سمگا » شدند. بعدم آقا مهدی باز رییس هیئت مدیره شد. فقط به این چرخش ها دقت کنید..

داستان برای مردم بسیار پیچیده است اما نه برای طراحان اصلی ، دقت کنید که این کثافت کاری های مالی از دولت احمدی نژاد آغاز شد و خدا داند که چه میزان ارز از کشور خارج کردند!!
با یک حساب سرانگشتی ضربه ای که اقا مهدی جهانگیری به اقتصاد ایران وارد کرد بسیار عمیق تر و پیچیده تر از سلطان_سکه و سلطان قیر بود..

■ کسب درآمد نامشروع یعنی خوردن حق طبقه ی متوسط جامعه
■ اخلال در مسایل مالی کشور یعنی وقتی منابع مالی کم میشه از صندوق های ذخیره اختلاس میشه مثل صندوق فرهنگیان..
■ خروج ارز از، کشور یعنی نابودی و کم ارزش شدن پول وطنی + علیل شدن صادرات..و به هدر رفتن سرمایه بخش خصوصی..
□ و اما ابراهیم جهانگیری

داداشی بزرگتره اقا مهدی هستند حالا بماند که در دوره اول ریاست جمهوری آقای روحانی مدیر کل آموزش و پرورش استان کرمان بود..
داداش مهدی با یه حکم جانانه خان داداششو به سمت « معاون برنامه ریزی و توسعه انسانی گروه مالی گردشگری» منصوب میکنه..ایشون که زمانی رئیس کل بودند جالبه بدونید سال نود و چهار در انتخابات مجلس شورای اسلامی رد صلاحیت میشود!!

□ نظام آموزشی ما حقیقتاً دستِ چه کسانی بوده است! کسانی که در پیری عاشق جان باخته میشوند و مثل آب خوردن معشوقه اش رو راهی دیار باقی میکنه یا کسی که رد صلاحیت میشه...

□ یک نکته مهم خدمت تون عرض کنم که: (امتیازاتی که دولت احمدی نژاد به قائم مقامی میراث فرهنگی حمید بقایی به شرکت سمگا داد..در تاریخ ایران در بخش خصوصی بی نظیر بود و تا امروز هم تکرار نشده است.)

پرستو مروجی